

اثر بلوک گانگلیونی بر فشارخون و ضربان قلب ناشی از تزریق پروتئین جدید افزایشده فشارخون (NPP) در موش‌های صحرایی نفرکتومی شده

دکتر اکبر پزهان^۱، دکتر دنیل اسموند^۲

^۱ استادیار فیزیولوژی دانشکده علوم پزشکی سبزوار

^۲ استاد گروه فیزیولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه تورنتو، کانادا

نشانی نویسنده مسؤول: سبزوار، جنب پلیس راه، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، دکتر اکبر پزهان.

E-mail: pejhan_a@yahoo.com

وصول: ۸۵/۲/۱۴، اصلاح: ۸۵/۴/۱۰، پذیرش: ۸۵/۶/۱۶

چکیده

زمینه و هدف: NPP (پروتئین جدید افزایشده فشارخون) یک آنزیم پلاسمایی انسانی و از نظر ساختمانی وابسته به β -FXIIa است که به طور شدیدی فشارخون سیستولیک (SBP)، فشارخون دیاستولیک (DBP) و ضربان قلب (HR) را در موش‌های صحرایی افزایش می‌دهد. این پاسخ‌ها در موش‌های نفرکتومی شده (2NX) شدیداً تقویت می‌شود. همزمان با آن، افزایش در رهایی کاتکولامین‌ها از غدد آدرنال نیز دیده می‌شود. هدف از این مطالعه بررسی مکانیسم عمل NPP و اطمینان از این مطلب است که آیا بلوک گانگلیونی توسط pentolinium می‌تواند روی پاسخ‌های NPP در موش‌های 2NX اثر داشته باشد؟

مواد و روش‌ها: در این مطالعه از موش‌های صحرایی نر با وزن ۳۰۰-۳۵۰ گرم و نژاد Wistar استفاده شد. در گروه نفرکتومی شده، ۲۴ ساعت پس از 2NX حیوان توسط Inactin بیهوش شده و برای ایجاد بلوک گانگلیونی داروی Pentolinium (۱۹/۲ mg/kg S.C) تزریق شد (گروه P+). اندازه‌گیری SBP، DBP و HR در پاسخ به تزریق وریدی $5^{\mu\text{L}}$ NPP، $20^{\mu\text{L}}$ NPP و 300 ng/kg β -FxII انجام شد. نتایج حاصل از این گروه (P+) با گروه‌هایی که P- بودند مقایسه شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که NPP و β -FXIIa خالص می‌تواند SBP، DBP و HR را هم در موش‌های کنترل و هم در موش‌های نفرکتومی شده افزایش دهد. میزان این پاسخ‌ها در موش‌های گروه P+ نفرکتومی شده به طور معنی‌داری بیشتر از پاسخ‌های گروه P- نفرکتومی شده است. به هر حال در گروه P+ نفرکتومی شده، میزان افزایش SBP، DBP بیشتر از HR است.

نتیجه‌گیری: NPP و β -FXII می‌تواند در موش‌ها، پاسخ‌های قلبی عروقی فوق را ایجاد نماید. برای بروز این پاسخ‌ها نیازی به بلوک گانگلیونی نیست ولی در موش‌های P+ که داروی بلوک گانگلیونی را دریافت کرده‌اند، این پاسخ‌ها تقویت شده‌اند و این تقویت پاسخ در موش‌های نفرکتومی شده معنی‌دار است. این موضوع علاوه بر تأیید رابطه ساختمانی و عملی NPP با β -FXII، همچنین بیانگر تداخل بین مسیرهای کولینرژیک و پیتیدرژیک برای بروز اثرات قلبی عروقی NPP است. (مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، دوره ۱۳/ شماره ۲/ صص ۶۳-۵۵).

واژه‌های کلیدی: NPP؛ فاکتور انعقادی XII؛ بلوک گانگلیونی؛ نفرکتومی.

مقدمه

پروتئین جدید افزاینده فشارخون (New Pressor Protein یا NPP) یک پروتئین آنزیمی خارج کلیوی است که از پلاسمای نرمال انسان یا موش صحرایی که توسط تریپسین فعال شده باشد، به دست می‌آید. مطالعات بیوشیمیایی NPP انسانی نشان می‌دهد که این پروتئین آنزیمی در مقابل حرارت ناپایدار بوده و وزن مولکولی آن حدود ۳۰ کیلودالتون و نقطه ایزوالکتریک آن بین ۴/۷ تا ۴/۹ می‌باشد. توالی N ترمینال آن (۱۹ اسید آمینه) هومولوگی قوی با زنجیره سنگین قطعه بتا فاکتور انعقادی XII فعال شده انسانی (β -FXIIa) دارد (۱،۲). اساس ساختمانی و عملی این پروتئین نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تشابهی با ترکیبات شناخته شده افزاینده فشارخون مثل رنین- آنژیوتانسین یا اندوتلین ندارد. تزریق مقادیر ناچیز NPP ناخالص انسانی یا NPP موش صحرایی (معادل ۵ تا ۲۰ میکرولیتر به موش صحرایی ۳۰۰ گرمی) باعث ایجاد پاسخ‌های دوفازی در فشارخون می‌شود که در ابتدا یک پاسخ کاهش فشار خون کوتاه مدت (فاز دپرسور) و به دنبال آن یک پاسخ افزایش فشارخون (فاز پرسور) ۱۰ تا ۱۵ دقیقه‌ای مشاهده می‌گردد و همراه با آن تعداد ضربانات قلب نیز افزایش می‌یابد (۴ و ۱،۳). در موش‌های صحرایی که قبلاً توسط مهارگر سیستم رنین _ آنژیوتانسین یعنی کاپتوپریل درمان شده باشند، تزریق مقادیر پایین NPP انسانی فشارخون سیستولیک (SBP)، فشارخون دیاستولیک (DBP) و تعداد ضربانات قلب (HR) را بیشتر افزایش می‌دهد. همچنین حجم ضربه‌ای افزایش یافته و بدون تغییر مقاومت کل محیطی، برون ده قلب به طور معنی‌داری افزایش می‌یابد و این نتایج بیانگر آن است که مکانیسم عمل NPP از طریق ایجاد اثرات کرونوتروپیک و اینوتروپیک مثبت روی قلب است (۵). همزمان با بروز این اثرات قوی قلبی - عروقی مشاهده می‌شود که مقدار کاتکولامین‌های پلاسما شدیداً افزایش

می‌یابد و دیده شده است که منشأ این کاتکولامین‌ها بخش مرکزی غده آدرنال است (۶، ۵). وجود این مقدار بالای کاتکولامین‌ها در پلاسما پیشنهاد می‌کند که آنها در مکانیسم عمل NPP و اثرات مشاهده شده دخیل هستند. شواهد موجود پیشنهاد می‌کنند که NPP باعث تولید و یا فراخوانی پپتیدهایی می‌شود که این پپتیدها در رهایش کاتکولامین‌ها از بخش مرکزی آدرنال سهیم هستند (۶). چنین همکاری عملی که توسط NPP شروع می‌شود، بیانگر حضور یک محور ارتباطی جدید بین FXII انعقادی با سیستم سمپاتوآدرنال و مکانیسم‌های تنظیم کننده فعالیت‌های قلبی - عروقی است (۷).

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در بیماران همودیالیزی با فشار خون بالا مقدار NPP اندوژن افزایش می‌یابد (۸) و از طرف دیگر، می‌دانیم که داروهای بلوکر گانگلیونی از دیر باز برای درمان بیماران دارای فشار خون بالا مصرف می‌شده‌اند (۹-۱۱) و همچنین دیده شده است که کاربرد این داروها در موش‌هایی که دارای ایسکمی مغزی هستند، باعث تأخیر در مرگ آنها می‌شود (۱۲).

هدف از مطالعه حاضر یافتن پاسخ به این سؤال بود که آیا کاربرد داروهای بلوکر گانگلیونی می‌تواند جلوی اثرات افزایش فشار خون و ضربان قلب ناشی از NPP را در موش‌های نفرکتومی شده که به عنوان یک مدل آزمایشگاهی برای بیماران همودیالیزی هستند، بگیرد؟ لذا اثرات بلوک گانگلیونی روی پاسخ‌های SBP و DBP و HR ناشی از تزریق مقادیر مختلف NPP و β -FXII در موش‌های صحرایی کنترل (sham-2NX) و موش‌های صحرایی نفرکتومی شده (2NX) بررسی گردید.

مواد و روش‌ها

پلاسمای انسانی و روش تهیه NPP از آن: پلاسمای انسانی نرمال از بانک خون شهر تورنتو کانادا تهیه شد. این پلاسماها از خون‌های دارای ماده ضدانعقادی CP2D (سیترات-فسفات-دکستروز) تهیه

شده بودند. پس از تهیه این بسته‌های پلاسما یا در آب سرد قرار داده شده و بلافاصله استفاده می‌شد یا در لوله‌های پلاستیکی در بسته در دمای 20°C - فریز می‌شدند تا دفعات بعد از آنها استفاده شود.

فعال کردن کنترل شده پلاسما ی انسانی با تریپسین بدین ترتیب است که تریپسین (تیپ III، گاوی، T-8253 از شرکت Sigma-Aldrich) به صورت محلول استوک در 0.02% مول/لیتر اسیدکلریدریک تهیه شده و به نسبت $10-3\%$ حجم/حجم به پلاسما اضافه و مخلوط شد تا به غلظت نهایی تریپسین 1 mg/ml رسید. پس از اینکوبه کردن این پلاسما در دمای 23°C به مدت ۱۰ دقیقه، فریز کردن سریع آن در یخ خشک باعث ختم واکنش شد. قبل از فریز کردن، می‌توان این نمونه را در لوله‌های پلاستیکی به حجم $100\mu\text{l}$ تقسیم کرده و سپس آن را در دمای 40°C - فریز نمود. در هر روز آزمایش، یکی از این لوله‌های پلاستیکی تازه حاوی پلاسما فعال شده (NPP) در داخل یخ قرار داده شد تا برای تزریق وریدی به موش‌های صحرایی (۵ و ۲۰ میکرو لیتر معادل $1/4$ و $5/5$ mg/kg به ازای هر موش 300 گرمی) آماده شود. (۳، ۲).

داروهای استفاده شده: (Pentolinium , Poulenc , Montreal , Que) به عنوان داروی بلوک‌کننده گانگلیونی در پلی وینیل پیرولیدون حل شده و با دوز $19/2\text{ mg/kg}$ تزریق شد (۵). (Ingram and Bell , Toronto , ont) Atropin Sulphate در حین عمل جراحی کانول گذاری با دوز 2 mg/kg s.c. /تزریق شد. داروی $\beta\text{-FXII}$ بسیار خالص از آزمایشگاه تحقیقات آنزیم تهیه و در سالیین حل و در بسته‌های کوچک در فریزر نگهداری شده و قبل از تزریق به دمای اتاق رسیده و با دوز 300 ng/kg به صورت داخل وریدی تزریق شد. در طول انجام آزمایش کلیه داروها در ظرف حاوی یخ معمولی نگهداری می‌شدند.

روش جراحی برای انجام نفرکتومی دوطرفه (2NX) یا کنترل (sham-2NX): مخلوطی

از هالوتان $3/5$ درصد همراه با یک بخش اکسیژن و 10 بخش نیتروژن اکسید با یک جریان گازی 3 لیتر در دقیقه به کار برده شد تا موش‌ها را بیهوش کند. سپس موش‌ها را روی صفحه تشریح قرار داده و یک ماسک روی بینی حیوان قرار داده شد و مخلوطی از هالوتان 2 درصد همراه با یک بخش اکسیژن و 10 بخش نیتروژن اکسید را با جریان گازی $1/5$ لیتر در دقیقه دریافت نمود و بیهوشی پیوسته‌ای ایجاد گردید. تحت شرایط بیهوشی، موهای قسمت وسط پشت حیوان را تراشیده شد و این ناحیه به کمک اتانول 70 درصد و محلول بتادین ضد عفونی گردید. سپس پوست در بالای نخاع و در امتداد خط میانی برش زده شده و به کنار کشیده شد. سپس یک برش لاترال در لایه عضلانی در سطح هر کلیه ایجاد شد. حفره شکمی باز شده و کلیه‌ها در داخل آن آشکار شدند. به کمک یک نخ ابریشمی نمره $1-0$ ، عروق کلیوی بسته و کپسول روی کلیه کنار زده شد تا غده آدرنال آسیب نبیند. کلیه‌ها حذف شدند و برش‌های عضلانی با یک نخ ابریشمی نمره $3-0$ بخیه زده شدند. برش خط میانی پوست نیز به کمک گیره‌های فلزی 9 میلی متری بسته شد. سپس حیوان به قفس منتقل شد تا مرحله ریکاوری را طی نماید و در طول این مدت، آب و غذای کافی در دسترس او قرار گرفت. 24 ساعت پس از عمل جراحی نفرکتومی، حیوان برای آزمایش و ثبت آماده شد. در موش‌های کنترل (sham-2NX) که به عنوان گروه کنترل جراحی بودند، کلیه اعمال جراحی فوق انجام شد؛ کلیه‌ها به کمک پنس فقط جابجا شده ولی حذف نشد.

آماده سازی موش‌ها برای ثبت مستقیم فشارخون سیستولیک (SBP)، فشارخون دیاستولیک (DBP) و تعداد ضربانات قلب (HR): همه حیوانات مطابق با اصول و روش کار ارائه شده توسط انجمن کانادا نگهداری شده و طراحی و انجام کلیه آزمایش‌ها توسط کمیته مراقبت از حیوانات در دانشکده پزشکی دانشگاه تورنتو کانادا موافقت شده بود. موش‌های صحرایی نر نژاد

Wistar با وزن ۳۰۰ تا ۳۵۰ گرم مطابق با روش پیکنز و همکاران (۹) و با کمی تغییر در روش کار برای ثبت آماده شدند. موش‌ها در قفس‌های استاندارد فلزی نگهداری شده و دسترسی کافی به آب و غذا داشتند.

در ابتدا به کمک داروی (Inactin ۱۰۰ mg/kg i.p) موش‌ها را بیهوش نموده و سپس داروی سولفات آتروپین (۲/۴ mg/kg s.c) به حیوان تزریق شد تا جلوی هرگونه کاهش فعالیت قلب را که در اثر بیهوشی بوجود می‌آید، گرفته و ضمناً ترشحات برونشی را در حین عمل جراحی کاهش دهد. از طریق ایجاد برش در خط میانی گردن، درست زیر ایستموس تیروئید، تراکتوستومی انجام شد تا از انسداد مجرای تنفسی جلوگیری شود. سپس تنه‌های اعصاب واگ که روی هر دو شریان کاروتید قرار دارند، در همان سطح قطع شد تا مانع بروز رفلکس برادیکاردی گردد. برای ثبت مستقیم SBP و DBP و HR یک لوله پلی اتیلن PE-50 در یکی از شریان‌های کاروتید مشترک کانول گذاری شد. سپس به کمک دستگاه مبدل فشار DC sthman که به سیستم جمع‌کننده اطلاعات بنام Maclab/8 متصل بوده و آن هم به یک کامپیوتر دارای برنامه نرم‌افزاری Maclab chart version 3.5.6 مجهز بود، فاکتورهای فوق اندازه‌گیری شد. کانول شریان کاروتید توسط سالیین هپارینه (سالیین فیزیولوژیک حاوی ۲۰U/ml هپارین) پر شده و گهگاه هم حدود ۰/۱ میلی لیتر از این مایع به داخل کانول تزریق گردید تا مانع ایجاد لخته خون در کانول گردد. از یک فشارسنج جیوه‌ای نیز استفاده شد تا در هر روز آزمایش، سیستم ثبت را کالیبره کند.

همه تزریقات وریدی توسط یک سرنگ 27-gauge انجام شد که یک کانول پلی اتیلن PE-20 به آن متصل بود. این کانول به راحتی در داخل ورید فمورال فرو رفته و هیچ مشکلی از نظر بازگشت وریدی در محل تزریق ایجاد نشد. بعد از تزریق دارو، حدود ۰/۱ میلی لیتر سالیین فیزیولوژیک به داخل کانول تزریق شد تا تمام دارو را به داخل ورید منتقل نماید. داروی بلوک‌کننده

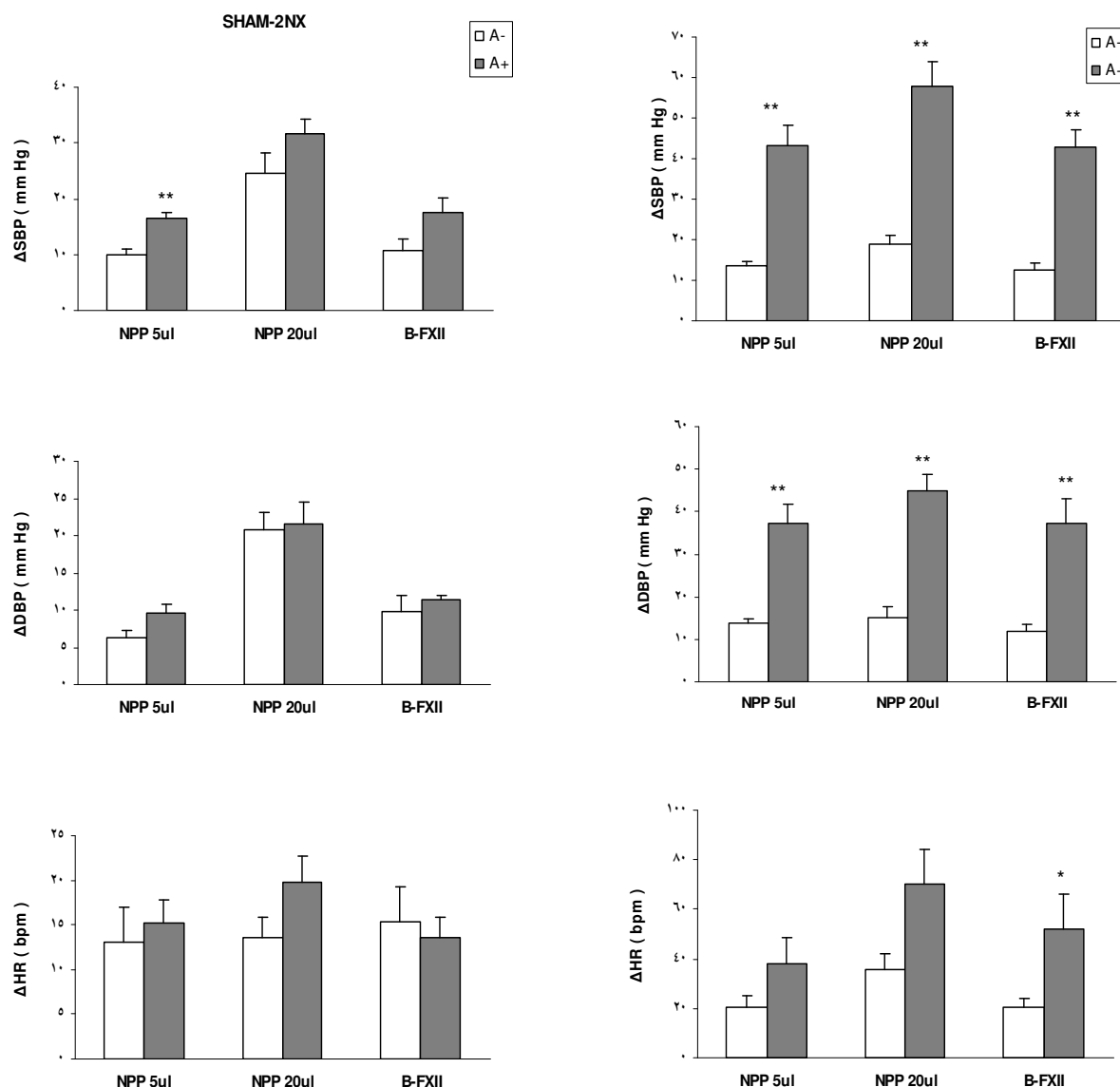
گانگلیونی (pentolinium tartarat salt) در ماده پلی وینیل پیرولیدون حل می‌شد تا در طول آزمایش به تدریج از این محلول رها شده و اثر آن طولانی مدت باشد. این دارو با دوز ۱۹/۲ mg/kg در پایان عمل جراحی و قبل از شروع ثبت به موش‌ها تزریق شد. فقط موش‌هایی که در هنگام جراحی دارای حداقل خونریزی و آسیب بافتی بودند برای آزمایش و ثبت، انتخاب شدند.

روش اجرای آزمایش‌ها: موش‌های مورد مطالعه به دو گروه موش‌های کنترل (sham-2NX) و موش‌های نفرکتومی شده (2NX) تقسیم شدند. هرکدام از این گروه‌ها دارای دو زیر گروه دریافت کننده بلوکر گانگلیونی (پنتولینیوم) P+ و فاقد دریافت بلوکر گانگلیونی (پنتولینیوم) P- بودند. در هر زیرگروه، ۸ تا ۱۲ موش مورد آزمایش قرار گرفته و هر موش فقط یک دوز از 1 μ NPP 20. NPP 5 μ 1 و β-FxII را به روش وریدی دریافت می‌کرد و همزمان اندازه‌گیری SBP، DBP و HR انجام می‌شد.

روش‌های آماری: داده‌های به دست آمده از آزمایش‌ها به کمک برنامه آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند. نتایج به صورت خطای معیار اندازه‌گیری ± میانگین بیان شده‌اند. برای مقایسه آماری آنالیز واریانس و آزمون کروسکال والیس و نیز آزمون من ویتنی برای مقایسه بین دو گروه استفاده شد.

یافته‌ها

اثر بلوک گانگلیونی بر پاسخ‌های SBP، DBP و HR در موش‌های کنترل (Sham-2NX): بر اساس این مطالعه قبل از کاربرد داروی بلوکر گانگلیونی، تزریق مقادیر مختلف NPP و β-FxII به موش‌های صحرايي گروه کنترل باعث افزایش پاسخ‌های SBP، DBP و HR شد (گرچه میزان افزایش پاسخ برای HR در گروه‌های مختلف دارویی تقریباً یکسان است). پس از کاربرد زیر جلدی بلوکر گانگلیونی (پنتولینیوم ۱۹/۲mg/kg) در ابتدا دیده



تصویر ۲: اثر نفركتومی دوطرفه (2NX) و اثر کاربرد پنتولینوم پس از نفركتومی دوطرفه بر پاسخ‌های فشارخون سیستولیک (SBP، میلی مترجیوه) و فشارخون دیاستولیک (DBP، میلی مترجیوه) و تعداد ضربانات قلب (HR، ضربه در دقیقه) ناشی از تزریق NPP (۵ و ۲۰ میکرولیتر پلاسماي فعال شده، معادل ۱/۴ و ۵/۵ mg/kg داخل وریدی) یا تزریق β-FxII (۲۰۰ نانوگرم بر کیلوگرم، داخل وریدی). $P < 0.05$ * و $P < 0.01$ ** نمایانگر تفاوت معنی دار بین موش‌های پیش درمان شده با پنتولینوم (A+) و موش‌های درمان نشده (A-) است (Mean ± SEM, n=8-12).

کارایی مؤثر دارو در بلوک سیستم سمپاتیکی است (شکل ۱). پس از پیش درمانی با پنتولینوم دیده شد که در پاسخ به تزریق مقادیر مختلف NPP و β-FxII این پاسخ‌ها تا

تصویر ۱: اثر NPP انسانی (۵ و ۲۰ میکرولیتر پلاسماي فعال شده، معادل ۱/۴ و ۵/۵ mg/kg داخل وریدی) یا تزریق β-FxII (۲۰۰ نانوگرم بر کیلوگرم، داخل وریدی) روی فشارخون سیستولیک (SBP، میلی مترجیوه) و فشارخون دیاستولیک (DBP، میلی مترجیوه) و روی تعداد ضربانات قلب (HR، ضربه در دقیقه) در موش‌های کنترل (sham-2NX). ستون‌های خالی (P-) (نمایانگر پاسخ قبل از پنتولینوم و ستون‌های توپر (P+) (نمایانگر پاسخ پس از کاربرد پنتولینوم ۱۹/۲ میلی‌گرم بر کیلوگرم، زیر جلدی و ۴۰ دقیقه قبل از داروی اصلی) است. $P < 0.01$ معنی دار است (Mean ± SEM, n=8-12).

شد که SBP پایه از ۱۲۶/۴ به ۷۳/۸۵ میلی‌متر جیوه و DBP پایه از ۸۱/۶۴ به ۳۹/۸۲ میلی‌متر جیوه و HR نیز از ۳۵۷ به ۲۵۶ ضربه در دقیقه افت کرد که نشان‌دهنده

حدودی افزایش یافت ولی این افزایش پاسخ فقط در مورد SBP ناشی از $1 \mu\text{g}$ NPP معنی دار بود. در بقیه گروه‌ها افزایش پاسخ دیده شد ولی معنی دار نبود.

اثر بلوک گانگلیونی بر پاسخ‌های SBP، DBP و HR در موش‌های نفرکتومی شده دو طرفه (2NX): قبل از کاربرد داروی بلوکر گانگلیونی، تزریق مقادیر مختلف NPP و β -FXIIa به موش‌های صحرایی نفرکتومی شده باعث افزایش پاسخ‌های SBP، DBP و HR شد که مشابه با پاسخ‌های گروه کنترل ولی شدیدتر است (شکل ۲). پس از پیش درمانی زیر جلدی با پنتولینیوم $19/2 \text{mg/kg}$ دیده شد که SBP پایه در این موش‌ها از $105/6$ به $94/7$ میلی‌متر جیوه و DBP پایه از $46/8$ به $42/9$ میلی‌متر جیوه و HR پایه نیز از 267 به 250 ضربه در دقیقه کاهش یافت که این امر نشان‌دهنده کارایی مؤثر داروی بلوکر است. پس از تزریق پنتولینیوم دیده شد که در پاسخ به تزریق مقادیر مختلف NPP و β -FXIIa پاسخ‌های SBP، DBP و HR شدیداً تقویت شده و تا حدود بیش از 300% درصد افزایش یافت ($P < 0/01$) ولی پاسخ HR فقط در مورد β -FXIIa افزایش معنی داری ($P < 0/05$) را نشان داد.

بحث

در این مطالعه دیده می‌شود که کاربرد داروی بلوکر گانگلیونی باعث تقویت پاسخ‌های NPP و β -FXIIa می‌شود و این تقویت پاسخ در موش‌های نفرکتومی شده (2NX) بیشتر از موش‌های کنترل (sham-2NX) است. فشارخون بالا یکی از مشکلات جدی بیماران همودیالیزی است و مطالعات قبلی نشان داده است که در این بیماران مقدار تشکیل NPP در پلاسما بالا است (۸). مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که داروهای بلوکر گانگلیونی از دیر باز برای درمان بیماران دارای فشار خون بالا مصرف می‌شده است (۱۲-۱۰) و همچنین دیده شده است که کاربرد این داروها در موش‌هایی که دارای

ایسکمی مغزی هستند باعث افزایش شانس بقا و ایجاد تأخیر در مرگ آنها می‌شود (۱۳). هدف از مطالعه حاضر این بود که در یک مدل آزمایشگاهی نفرکتومی شده دو طرفه (2NX) اثر داروی بلوکر گانگلیونی (پنتولینیوم) روی پاسخ‌های قلبی - عروقی NPP و β -FXIIa بررسی شود تا مکانیسم عمل NPP دقیق‌تر مشخص گردد.

بلوک گانگلیونی به عنوان بلوک فارماکولوژیک سیستم عصبی اتونومیک تلقی می‌شود و در مطالعات تجربی با به کار بردن داروهای بلوکر گانگلیونی مثل پنتولینیوم می‌توان گیرنده‌های پس عقده‌ای استیل کولینی و بنابراین ارسال پیام از نرون پیش عقده‌ای به نرون پس عقده‌ای را مهار کرد. پنتولینیوم که در این مطالعه به کار رفته است، یک مهار کننده رقابتی گیرنده‌های نیکوتینی است. این دارو بسیار قوی بوده و $10-2$ برابر قدرت اثر بیشتر و $4-2$ برابر اثر طولانی‌تری نسبت به هگزامتونیوم دارد و ضمناً افینیتی آن برای گیرنده‌های نیکوتینی بیشتر است (۱۴).

در موش‌های گروه کنترل (Sham-2NX) کاربرد داروی بلوکر گانگلیونی تا حدودی باعث افزایش پاسخ‌های SBP، DBP و HR مربوط به مقادیر مختلف NPP و β -FXIIa می‌گردد (شکل ۱). ولی این افزایش در اکثر موارد معنی دار نیست. پس از پیش درمانی با داروی بلوکر گانگلیونی، فاز پرسور کوتاه‌تر و ضعیف‌تر شده ولی در عوض، فاز پرسور بزرگتر می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد که بلوک گانگلیونی پنتولینیوم از طریق کاهش فاز پرسور و همچنین از طریق افزایش فاز پرسور باعث تقویت پاسخ NPP و β -FXIIa می‌شود. در موش‌های نفرکتومی، پیش درمانی با داروی بلوکر گانگلیونی باعث تقویت شدید و معنی دار پاسخ‌های SBP، DBP و HR ناشی از تزریق مقادیر مختلف NPP و β -FXIIa می‌گردد (شکل ۲). چنین تقویت مشابهی پس از پیش درمانی با داروهای بلوکر گانگلیونی روی پاسخ افزایش فشار خون نسبت به تزریق i.c.v نور آدرنالین یا تزریق نورآدرنالین به

(مسیر کولینرژیک) توسط داروی بلوکر گانگلیونی چگونه مقدار کاتکولامین‌های پلاسما افزایش می‌یابد؟

۲- چرا پاسخ‌های NPP در موش‌های نفرکتومی شده قوی‌تر از موش‌های کنترل است؟

فیبرهای پس عقده‌ای سمپاتیکی علاوه بر استیل کولین حاوی پتیدها و آنزیم‌های نیتریک اکسید سنتاز (NOS) هستند که این پتیدها در نرون‌های پیش عقده‌ای شامل انکفالین‌ها، پلی پتید فعال‌کننده آدنیلات سیکلاز هیپوفیزی (PACAP) بوده و به عنوان مولکول‌های پیامبر پیش عقده‌ای محسوب می‌گردند. اعصاب حسی غده آدرنال نیز اساساً حاوی پتید وابسته به ژن کلسیتونین (CGRP) و به مقدار کمتری حاوی ماده P (SP) می‌باشند. در سیستم عصبی داخلی غده آدرنال نیز نرون‌های حاوی نروپتید Y (NPY)، پتید روده‌ای مؤثر بر عروق (VIP) و آنزیم NOS وجود دارند. همه این پتیدها قادر هستند به عنوان نوروترانسمیتر عمل نموده و باعث رهایی کاتکولامین‌ها از غده آدرنال شوند (۲۰،۲۱).

همچنین گیرنده‌های متعددی روی سلول‌های کرومافین غده آدرنال وجود دارند که باعث میانجی‌گری رهایی کاتکولامین‌ها می‌شوند. این گیرنده‌ها شامل گیرنده‌های نیکوتینی و موسکارینی، گیرنده‌های VIP، گیرنده‌های اپیوئیدی، گیرنده‌های SP، گیرنده‌های برادی کینین و گیرنده‌های PACAP می‌باشند. این بحث پیشنهاد می‌کند که رهایش کاتکولامین‌ها از غده آدرنال منحصراً وابسته به مسیر کولینرژیک نیست. حتی اگر فعالیت فیبرهای سمپاتیک پس عقده‌ای عصب اسپلانکنیک بلوک شود، سایر نوروترانسمیترهایی که در همان پایانه هستند نقش مهم و قوی‌تری در رهایش کاتکولامین‌ها پس از تزریق NPP دارند این مسیر را اصطلاحاً مسیر پتیدرژیک می‌نامند. این که آیا این مسیرهای جایگزین (مسیرهای پتیدرژیک) دائمی است یا در امتداد با مسیر کولینرژیک عمل می‌کند یا این که فقط در شرایط خاص عمل می‌کند موضوعی است که باید در آینده روشن شود. بهر حال

ناحیه خاکستری دور قنات سیلویوس و ناحیه کورتکس سینگولای یا تزریق i.c.v آنژیوتانسین II در موش‌های صحرایی هوشیار گزارش شده است (۱۸-۱۵). این گزارش‌ها حاکی است زمانی که دخالت سیستم سمپاتیکی در ایجاد این پاسخ‌ها کنار گذاشته شود، سهم فاکتورهای هومورال بیشتر می‌شود و سیستم نروهومورال هیپوتالاموسی هیپوفیزی از طریق افزایش رها سازی وازوپرسین در تقویت پاسخ، دخیل است. از آن‌جا که NPP در موش‌های دارای بلوک گانگلیونی بیشتر اثرات پرسور نشان می‌دهد و از طرفی پیشنهاد شده است که کاتکولامین‌های آدرنال به عنوان افکتورهای اولیه اثرات NPP هستند، به نظر می‌رسد که مقدار کاتکولامین‌های پلاسما همزمان با قله موج پرسور در موش‌های دارای بلوک گانگلیونی بالاتر باشد. در موش‌های گروه کنترل، بلوک گانگلیونی به تنهایی نتوانست مقدار کاتکولامین‌های پلاسما (آدرنالین و نورآدرنالین) را در پاسخ به NPP تقویت نماید ولی در موش‌های کنترل که علاوه بر داروی بلوکر گانگلیونی، داروی کاپتوپریل (که باعث محافظت پتیدها در مقابل تخریب آنزیمی می‌شود) را نیز دریافت کرده بودند، مقدار کاتکولامین‌های پلاسما در پاسخ به تزریق NPP شدیداً افزایش یافت. بنابراین، به نظر می‌رسد که بلوک گانگلیونی در این موش‌ها باعث افزایش القاء رهایش کاتکولامین‌ها توسط NPP می‌شود. به علاوه، مقادیر بالای رهایش آدرنالین پس از برگشت فشار به حد طبیعی بیانگر این است که مشابه کاپتوپریل، بلوک گانگلیونی نیز می‌تواند باعث طولانی شدن مدت زمان رهایش آدرنالین شود. به طور کلی مطالعات آزمایشگاه ما نشان می‌دهد که بلوک گانگلیونی قادر است مقدار رهایش کاتکولامین‌ها در پاسخ به تزریق NPP را افزایش دهد و این افزایش کاتکولامین‌های پلاسما در بروز افزایش اثرات SBP، DBP و HR سهیم است (۱۹).

حال پاسخ به دو سؤال مهم ضروری به نظر می‌رسد:
۱- علی‌رغم مهار سیستم سمپاتیک

نفرکتومی نسبت به موش‌های کنترل می‌شود. از نقطه نظر کلینیکی این یافته‌ها بسیار مهم هستند و نشان می‌دهند که در بیماران دیالیزی که دارای فشارخون بالا بوده و مقدار NPP پلاسمایی آنها بالاست (۷) کاربرد داروهای بلوکر گانگلیونی می‌تواند منجر به وخیم‌تر شدن وضعیت فشار خون آنان گردد. بنابراین، تجویز این دسته از داروها در این بیماران باید با احتیاط انجام گیرد.

تشکر و قدردانی

این طرح با کمک مالی انجمن بیماری‌های قلب و حملات قلبی کانادا و راهنمایی پروفیسور دنیل اسموند و با همکاری بخش فیزیولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه تورنتو کانادا انجام شده است که از همکاری صمیمانه آنان تشکر می‌نمایم. همچنین از همکاران محترم بخش کامپیوتر دانشکده علوم پزشکی سبزواری که در تایپ مقاله ما را یاری نموده‌اند قدردانی می‌نمایم.

احتمال تداخل بین مسیرهای کولینرژیک و پپتیدرژیک وجود دارد. افزایش شدید رهایی کاتکولامین‌ها و همچنین افزایش حساسیت گیرنده‌های آدرنرژیک متعاقب کاربرد داروهای بلوکر گانگلیونی (۲۲) بدون شک باعث تقویت پاسخ‌های قلبی-عروقی NPP و β -FXIIa در موش‌های بلوک شده می‌شود.

در مورد پاسخ سؤال دوم نیز باید گفت همان‌گونه که در مقاله اخیر (۲۳) نیز بحث شده است در موش‌های نفرکتومی به دلیل این‌که آنزیم‌های پپتیداز مثل آنزیم تبدیل‌کننده آنژیوتانسین (ACE) و آنزیم اندوپپتیداز از خنثی (NEP) حذف شده‌اند، حال به دلیل کاهش تخریب آنزیمی پپتیدهایی مثل SP، VIP، آنژیوتانسین II، BK، PACAP و انکفالین‌ها، مقدار این پپتیدها و مدت بقاء آنها افزایش می‌یابد. این افزایش موجب تقویت شدید مسیر پپتیدرژیک برای رهایی کاتکولامین‌ها از غده آدرنال می‌گردد. این پدیده همراه با اثر بلوک گانگلیونی باعث تقویت شدید پاسخ‌های قلبی-عروقی در موش‌های

References

- Mavrogiannis L, Kariyawasam KPAP, Osmond DH. Potent Blood pressure raising effect of activated coagulation factor XII. *Can J Physiol Pharmacol*. 1997; 75: 1398-1403.
- Papageorgiou PC, Pourdjabbar A, Amfilochiadis AA, Diamandis EP, Boomsma F, Osmond DH. Are cardiovascular and Sympathoadrenal effects of human "New Pressor Protein" preparations attributable to human coagulation β -FXIIa? *Am J Physiol Heart Circ Physiol*. 2004; 286; H 837-H 846.
- Osmond DH, Mavrogiannis L, Cotter BR. Potent 'new pressor protein' related to coagulation factor XII is potentiated by inhibition of angiotensin converting enzyme. *J Hypertens*. 1998; 16: 311-320.
- ۴- پڑهان، اکبر، پاپاجورجیو پیتر، اسموند دنیل. نقش برادی‌کنین در اعمال " پروتئین جدید افزایش‌دهنده فشار خون " مربوط به قطعه β فاکتور XII انعقادی پلازما. کومش، ۱۳۸۳: سال ۶ شماره ۱، صفحات ۲۱ تا ۲۹.
- Mavrogiannis L, Trambakoulos DM, Boomsma F, Osmond DH. The sympathoadrenal system mediates the blood Pressure and cardiac of human coagulation factor XII-related "new pressor protein". *Can J Cardiol*. 2002; 18(10): 1077-1086.
- Simos D, Boomsma F & Osmond DH. Human coagulation FXII-related "new pressor protein": role of PACAP in its cardiovascular and sympatho-adrenal effects. *Can. J. Cardiol*. 2002; 18(10): 1093-1103.
- ۷- پڑهان، اکبر، اسموند دنیل. پروتئین جدید افزایش‌دهنده فشار خون یک محور جدید ارتباطی بین سیستم انعقادی سیستم سمپاتوآدرنال (مقاله مروری). افق دانش، ۱۳۸۳: سال ۱۰ شماره ۲، صفحات ۵۵ تا ۶۱.
- Pearl RJ, Papageorgiou PC, Goldman M, Amfilochiadis AA, Boomsma F, Rojkjaer R. et al. Possible role of new pressor protein in hypertensive anephric hemodialysis patients. *Pediatr Nephrol*. 2003; 18: 1025-1031.

9. Pickens PT, Bumpus FM, Loyd AM, Smeby RR, & Page IH. Measurement of renin activity in human plasma. *Circ Res.* 1965; 17: 438-448.
10. Jones RM, Hantler CB, Knight PR. Use of pentolinium in postoperative hypertension resistant patients to sodium nitroprusside. *Br J Anaesth.* 1981; 53: 1151-1153.
11. Basta JW, Niejadlik K, Pallares V. Autonomic hyperreflexia: intraoperative control with pentolinium tartarate. *Br J Anaesth.* 1977; 49(11): 1087-91.
12. Kuwata N, Kuroda K, Funayama M, Sato N, Kubo N, Ogawa A. Dysautoregulation in patients with hypertensive intracerebral hemorrhage: A SPECT study. *Neurosurg Rev.* 1995; 18(4): 237-45.
13. Groggaard B, Gerdin B, Arfors KE. Forebrain ischemia in the rat: Relation between duration of ischemia, use of adjunctive ganglionic blockade and long-term recovery. *Stroke.* 1986; 17(5): 1010-5.
14. Klowden AJ, Ivankovitch AD, Miletich DJ. Ganglion blocking drugs: general considerations and metabolism *Int Anesthesiol Clin.*, 1978; 16(2): 113-150.
15. Correa FMA, Magro IAS, Peres-Polon VL, Antunes-Rodrigues J. Mechanisms of the CNS-mediated pressor response to intracerebroventricular injection of noradrenaline in unanesthetized rats. *Neuropharmacology*, 1985; 24: 831-37.
16. Pelosi GG, Correa FM. Cardiovascular effects of noradrenaline microinjected into the dorsal periaqueductal gray area of unanesthetized rats. *Eur J Neurosci*, 2005; 22(12): 3188-94.
17. Fernandes KB, Crippa GE, Tavares RF, Antunes-Rodrigues J, Correa FM. Mechanisms involved in the cingulate cortex of unanesthetized rats. *Neuropharmacology*. 2003; 44(6): 757-63.
18. Severs WB, Summy-Long J, Taylor JS, Connor JD. A central effect of angiotensin: release of pituitary pressor material. *J Pharmacol Exp Ther.* 1970; 174(1): 27-34.
19. Simos D. Studies on the mechanism of action of "New Pressor Protein": Bradykinin, Pituitary Adenylate Cyclase Activating Polypeptide and adrenal catecholamines as possible mediators of its cardiovascular effects (Dissertation). Department of physiology. University of Toronto. 2001.
20. Allen JM, Adrian TE, Polak JM, Bloom SR. Neuropeptide Y (NPY) in the adrenal gland. *J Auton Nerv Syst.* 1983; 9: 559-563.
21. Frodin MJ, Hannibal J, Wulff S, Gammeltoft S, Fahrenkrug J. Neuronal localization of pituitary adenylate cyclase-activating polypeptide 38 in the adrenal medulla and growth inhibitory effect on chromaffin cells. *NeuroScience, Neuroscience.* 1995; 65: 599-608.
22. Shimamoto K, Kanauchi O, Uchizumi S. Peripheral action of the ganglion blocking agents. *Japanese Journal of Pharmacology, Jpn J Pharmacol.* 1955; 5: 66-76.
23. Pejhan A, Papageorgiou PC, Osmond DH. Cardiovascular effects of human "New Pressor protein" and coagulation β -FXIIa. *Iranian Journal of Medical Sciences (In Press)*.